

دیدار و گفت و شنود
با رهبران حزب
کمونیست کارگری
پس از گنگره سوم

به
انترناسیونال هفتگی
کمک مالی کنید!

توجه! توجه!
رادیو انترناسیونال
۹ تا ۹/۴۵
بوقت تهران
۴۱ متر
۷۵۲۰ کیلوهرتز

به دیگران اطلاع بدهید
تلفن
0044 771 461 1099
مرکز اطلاعات
و پیامگیر رادیو:
0044 208 962 2707

پیام کنگره سوم حزب کمونیست کارگری به مردم ایران

مردم آزادیخواه ایران! کنگره سوم حزب کمونیست کارگری درودهای پرشور خود را به شما تقدیم می‌دارد. این کنگره در شرایطی برگزار میشود که جامعه ایران در شرف تحولاتی مهم و بسیار اساسی است. جمهوری اسلامی رفتنی است. این پیامی است که اعتراضات هر روزه شما علیه این حکومت مرتجع دست راستی و مذهبی و قوانین قرون وسطایی و ضد انسانی آن به جهانیان اعلام کرده است. حکم مردم ایران روشن است. دنیای بهتری

میخواهیم، به جهنم اسلام و سرمایه در ایران گردن نمی‌گذاریم. دیکتاتوری و خفقان و سرکوب را نمی‌پذیریم. از حاکمیت مذهب منزجریم و عزم کرده ایم دست مذهب و اسلام را از زندگی اجتماعی و سیاسی و فرهنگی خود کوتاه کنیم، حکومت حجاب و قصاص و توهین و تحقیر زنان بس است. فقر و بیکاری و فقدان هرگونه تامین اجتماعی بس است! ما مردم ایران برای بریز کشیدن جمهوری اسلامی براه افتاده ایم. و تاریخ صدها بار نشان داده است که در برابر اراده مردم هیچ نیرویی

را تاب مقاومت نیست. مردم آزادیخواه با عزم و اراده متحد ما عمر حاکمیت این خیل اوباش بسرعت به پایان خواهد رسید. هیچ جامعه و هیچ انسانی سزاوار زندگی تحت چنین نظام ارتجاعی و ضد بشری نیست. سرنگونی این رژیم با تلاش و هوشیاری ما میتواند و باید سر آغاز پایه گذاری جامعه‌ای باشد که در آن فقر و محرومیت معنا ندارد، خفقان و ستم و تبعیض به فراموشی سپرده میشود و انسانها رفاه و آزادی و برابری واقعی را تجربه میکنند. امروز

مهرماه ۱۳۷۹

مجازات اعدام شنیع ترین شکل قتل عمد است

منصور حکمت در گفتگو با خاوران

صفحه ۲

"بحران چیت به شهر" پایان نیافته است!

مجامع عمومی کارگران حفاری باید تصمیم بگیرند

صفحه ۴

صفحه ۳

در جستجوی "استراتژی"!



به یک پول سیاه تبدیل کرد و عملاً بشیوه خود از خاتمی عبور می‌کند! پشت صحنه شو استراتژی ها، در دنیای واقعی، جمهوری اسلامی بر تلی از فجایع تاریخی و انسانی در برابر مردمی قرار گرفته که میخواهند این وضع را بسرعت تغییر دهند. جمهوری اسلامی در قبال این شرایط هیچ چاره ای ندارد جز آنکه وضع موجود را کش دهد. با چنگ و دندان قدرت را حفظ کند و برای خود زمان بخرد تا شاید فرجی حاصل شود. این

صفحه ۳

این مزیت برخوردار است که "استراتژی" های دوم خرداد را به ریشخند بگیرد، مصادره کند و به ضد خودشان تبدیل کند. نمونه برخورد جناح راست با زمزمه "عبور از خاتمی" جالب توجه است. از یکطرف، چنان به دفاع از خاتمی برخاست که دوم خردادی ها را به وحشت از دست دادن وی دچار کرد. (بعد از مصادره کردن شعارهای مختلف دوم خرداد، مثل "قانونیت" و "اصلاحات" اینک جناح راست فرصتی بدست آورد تا خود خاتمی را هم مصادره کند. چنانکه جناح راست، در قیاس با مجموعه دوم خرداد، فعلاً با صراحت بیشتری از کاندیداتوری خاتمی برای دور بعدی ریاست جمهوری حمایت میکنند.) از طرف دیگر، جناح راست با این کار خاتمی را

بازی" هایش با خامنه ای و رفسنجانی و در کل امید به حرکت لاک پشتی از بالا است. "مقاومت مدنی" یا عباراتی نظیر آن، در سایه روشنهای مختلف، از سوی لایه های خارج و یا دور از قدرت دوم خرداد مطرح میشود. اینها معتقدند که نباید فقط به تحولات در بالا چشم دوخت. باید اعتماد از دست رفته بدنه دوم خرداد را بدست آورد و آنرا مبنای "اصلاحات" قرار داد. اما هیچکدام از اینها هنوز نوشداروی دوم خرداد نیستند. هفته گذشته گروههای دوم خرداد تازه ستاد تدوین استراتژی تشکیل دادند! جستجو ادامه دارد. جناح راست، به نظر میرسد، تکلیف روشن تری در قبال "استراتژی" دارد. از

مصطفی صابر

mosaber@yahoo.com

دوم خرداد دریدر دنبال "استراتژی" میگردد. طی هفته های اخیر هر محفل و شخصیت "جنبش دوم خرداد" چیزی در این مورد گفته است. آخرین نتایج اینست: برای "آرامش فعال" ظاهراً باید اجماعاً فاتحه خواند. "عبور از خاتمی" هم، علیرغم همنوایی برخی سران دوم خرداد با آن، نمی تواند استراتژی برای "دوم خرداد" باشد. پایان کار آنست. "مدد به خاتمی"، یا چیزی شبیه این، از سوی لایه های نزدیک به قدرت دوم خرداد مطرح میشود. معنی عملی آن حمایت از خاتمی در چانه زنی و "لج

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

مجازات اعدام شنیع ترین شکل قتل عمد است

منصور حکمت

mhckmat@yahoo.com



جامعه باید با حداقل اعمال خشونت و با حداقل سلب اجازه زندگی متعارف از مجرمین، خود را از تکرار جرم توسط آنها مصون کند. ثانیاً، کمک کند این افراد متحول بشوند. بنظر من مجازاتهای انتقامی و عبرت آموزانه باید لغو بشود. باید بجایی برسیم که جامعه چنان از خشونت فاصله بگیرد که به موارد خشونت مثل بلایای طبیعی رفتار کند، به کمک قربانیان بشتاید، سعی کند از موارد بعدی آن جلوگیری کند و یا خسارات آن را به حداقل برساند، بی آنکه کسی را به رسم قربانی در آتشفشان بیاندازد و یا به دریا تازیانه بزند.

خاوران: اگر لغو مجازات اعدام، یکی هم به دلیل ارزش نهادن به گوهر انسان و حق حیات آن است، در آنصورت خواست آزادی زندانیان سیاسی ای که در اثر عملیاتشان انسانهای بی گناه کشته شده اند، چگونه باید دنبال شود؟ مثلاً با مبارزی که در اثر بمب گذاری در اتوبوس و یا مکانی دیگر، موجب کشته شدن یک یا چند نفر شده است چه باید کرد؟ آیا باید خواستار آزادی او شد؟

منصور حکمت: من آدمی را که در اتوبوس و هواپیما مردم بمب گذاشته باشد مبارز اطلاق نمیکنم. متأسفانه در یک دوره معین این روش در برخی جنبشهای حق طلبانه باب شد و بعد توسط برخی جنبشهای ارتجاعی به یک هنر آدمکشی تحت لوای سیاست ارتقاء داده شد. یک فرمول کلی در قبال اینها ندارم. بستگی به دولتی دارد که اینها با آن در حال جنگ هستند. بستگی به موازین قضایی کشور مربوطه و مشروعیت حقوقی آن دارد. اتفاق دارد. بنظر من پرونده بمببست هایی که به اهداف غیر نظامی حمله کرده اند یک پرونده سیاسی نیست. ممکن است دلایل مخففه سیاسی برای وقوع جرم ارائه و بشود و حتی پرونده یک پرونده سیاسی نیست. منتهی یک چیز را یادآوری کنم. اگر بنا باشد کسانی را که با بمب به مردم غیر نظامی

شده، ورشکست شده، دربردارنده شده، میتوانستیم برای تسکین احساس تلخ درونی خود دست به قتل او بزنیم؟ آیا دولت آدمکش مجازی است که افراد برای گرفتن انتقام به آن مراجعه میکنند؟ آیا عدالت مفهومی است که جای انتقام عشرتبری نداشته است؟ در مورد مفهوم عدالت شاید باید در فرصت دیگری بیشتر حرف زد. این مقوله آنقدرها که بعضی فکر میکنند ابژکتیو و ماوراء طبقاتی نیست.

خاوران: آیا با لغو مجازات اعدام، درجیف جنایت در جامعه بالا نخواهد رفت؟

منصور حکمت: خیر. برعکس. همانطور که گفتم همان اول کار جلوی یک لیست بالابند قتل های دولتی گرفته میشود. دادگستری و دولت آمریکا پرکارترین قاتل حرفه ای آن کشور است. لغو مجازات اعدام مانند اینست که ۱۵۰ قاتل سریال یکجا دستگیر شده باشند! ثانیاً، جامعه ای که کشتن انسانها را مطابق قانون مجاز کرده باشد هرگز نمیتواند جلوی تکرار همین عمل در میان اهالی را بگیرد. لغو حکم اعدام و اعلام ارزش جان آدمی، اولین گام در مبارزه با فرهنگ آدمکشی در جامعه است. آمارهای رسمی هم به روشنی نشان میدهد که در هلند و اسکاندیناوی و انگلستان که مجازات اعدام ممنوع است، آمار قتل (به نسبت جمعیت) به مراتب کمتر از آمریکاست.

خاوران: بنظر شما مجازات جنایتکاران برای رسیدن به چه هدفی باید انجام گیرد؟

منصور حکمت: نمیدانم آیا اصولاً کلمه مجازات کلمه خوبی برای یک سیستم قضایی انسانی هست یا خیر. بنظر من، بحث پیشگیری و از بین بردن زمینه های اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی جنایت به کنار، اولاً،

شهروندانشان را میکشند. باید جلوی این را گرفت.

میپرسید اگر مجازات اعدام نباشد باید با قاتلین چه کرد. کشتن قاتل تکرار قتل است. ما میگوئیم این یک کار را بهیچوجه نمیشود کرد. اینکه چه کار دیگری میشود کرد بستگی به فلسفه قضایی جامعه دارد. در همین سیستم موجود میتوان قاتل را حبس کرد. در یک جامعه ایده آل شاید بشود مردم را از تکرار جرم توسط او مصون کرد، تلاش کرد قبح کارش را به او فهماند، بدون آنکه حتی لازم باشد آزادی اش را هم از او سلب کنند. در یک جامعه ایده آل شاید بشود کاری کرد که قتل عمد رخ ندهد.

خاوران: حزب کمونیست کارگری ایران با پاسداران و شکنجه گران که در درگیریها اسیر می شوند، در صورتیکه ثابت شود دستشان بخون مردم آلوده است چگونه رفتار خواهد کرد؟

منصور حکمت: در قوانین مورد نظر ما اعدام و حبس ابد نیست. قاعدتا این آدمها را باید به حبس محکوم کرد و رویشان کار کرد شاید بتوانند روزی به آغوش جامعه برگردند و کاری کنند مردم ببخشندشان.

خاوران: با اعدام نکردن قاتل، عدالت درباری خانواده مقتول چگونه اجراء می شود؟

منصور حکمت: اینکه خانواده مقتول صاحب خون است، و عدالت، طلبی است که خانواده مقتول از جامعه دارد، یک مفهوم عشرتبری و عقب مانده و غیر قابل پذیرش است. غم و داغ خانواده مقتول انکار ناپذیر است. اما اگر اعدام بخاطر تسکین غم و داغ افراد مجاز باشد، چرا خود قتل به بهانه احساساتی مشابه مجاز نیست؟ آیا کسی که توسط دیگری تحقیر و خرد شده، خانه خراب شده، معتاد

در نهایت حق بجایی، در نهایت خونردی، تصمیم به کشتن کسی میگیرد و روز و ساعت واقعه را هم اعلام میکند.

خاوران: با لغو مجازات اعدام، جنایتکاران قاتل چگونه باید کیفر ببینند؟

منصور حکمت: سوال جالبی است. با لغو مجازات اعدام همان اول جلوی یک قاتل عمده، یعنی دولت، که هیچوقت هم بخاطر قتل نفس کیفر ندیده است گرفته میشود. سوال شما این تصور را بوجود میآورد که گویا مجازات اعدام را برای کیفر دادن قاتلین ابداع کرده اند. یا گویا این مجازاتی است که قانونگذاران پس از غور و تفحص با جرم قتل متناسب یافته اند. اما مجازات اعدام ربطی به مساله قتل در جامعه ندارد. تاریخ خودش را دارد. حقوق و قدرت دولتهای امروز در برابر اهالی، امتداد حقوق و قدرت دولتهای دیروز است. وقتی آغا محمد خان قاجار تمام اهالی یک شهر را کور

میکند و میکشد، مشغول کیفر دادن کسی بخاطر جرمی نیست. وقتی اسب دزد را در آمریکا دار میکشند و یا سرباز فراری را اعدام میکنند، مشغول کیفر دادن کسی به معنی قضایی کلمه نیستند. بلکه صاف و ساده دارند مردم را سرچایشان مینشانند، دارند مردم را به تمکین به مقررات و دستورات وادار میکنند. دارند ارباب میکنند. دارند حکومت میکنند. در همین جهان امروز اعدام فقط کیفر قتل نیست، کیفر سکس غیر مجاز، کیفر احتکار، کیفر اعتقاد به مرام اشتراکی، کیفر تشکیل احزاب مخالف، کیفر طنز کردن خدا و پیغمبر و امام، کیفر همجنس گرایی و غیره هم هست. کشتن اهالی، از ابتدای جامعه دارای حاکمیت، یک رکن به تسلیم کشیدن مردم بوده و هنوز هم هست. تاریخچه مجازات اعدام نه در مباحثات حقوق قضایی درباره جنایت و مکافات، بلکه در تاریخ حاکمیت طبقاتی و دولت است. امروز هم دولت ها

مطلب زیر در فصلنامه خاوران، نشریه سازمان دفاع از زندانیان سیاسی ایران، شماره ۷ پاییز ۱۳۷۹ با عنوان "چرا مجازات اعدام؟ نگاه منصور حکمت به مقوله لغو اعدام" بچاپ رسیده است. با تشکر از خاوران برای اجازه نقل این مطلب در انترناسیونال هفتگی، آدرس و ای میل این فصلنامه را در پایان این مطلب آورده ایم.

مقدمه خاوران: مطلبی که در زیر ملاحظه میکنید پاسخهای منصور حکمت به پرسشهای ما در زمینه لغو اعدام است که در اصل برای کتاب ناتمام «چرا لغو اعدام» در نظر گرفته شده بود. که به لحاظ آماده نبودن کتاب مذکور فعلاً آن را در خاوران درج میکنیم. با سپاس از منصور حکمت که باوجود گرفتاریهای بسیار به درخواست ما پاسخ مثبت داد.

خاوران: حزب کمونیست کارگری در اسناد خود به صراحت از ضرورت لغو اعدام سخن گفته است، اما شما از چه زاویه و نگاهی و با چه تحلیلی لغو اعدام را ضروری میدانید؟

منصور حکمت: مجازات اعدام اسم دولتی کلمه کشتن است. افراد یکدیگر را به قتل میرسانند، اما دولتها افراد را به "اعدام" محکوم میکنند. خواست لغو اعدام و ممنوعیت قتل نفس هردو از یکجا مایه میگیرند، مخالفت با کشتن عامدانه و آگاهانه و با نقشه قبلی کسی توسط کس دیگر. اینکه یکسوی این قتل یک دولت و یا یک مرجع فائده سیاسی است کوچکترین تغییری در این واقعیت نمیدهد که ما با یک قتل عمد طرفیم. مجازات اعدام وقیحانه ترین و کثیف ترین شکل قتل عمد است. چون یک نهاد سیاسی، جلوی روی مردم، با اعلام قبلی، از قول جامعه،

از صفحه ۲

مجامع عمومی کارگران حفاری باید تصمیم بگیرند

"بهینه سازی" بجای "فروش" شرکت ملی حفاری

هاست. همانطور که تحصن، اعتصاب و التیماتوم اخیر کارگران حفاری گوشه ای از آنرا نشان داد. لذا خواست محوری کارگران حفاری در قبال ترفند مشترک مجلس و دولت باید این باشد: هیچ طرحی بدون دخالت نمایندگان منتخب کارگران، بدون تصویب در مجمع نمایندگان کارگران و مهمتر بدون تصویب در مجامع عمومی کارگران بخش ها و واحدها و ایستگاههای حفاری قابل قبول نیست! دخالت در سرنوشت خود با اتکاء بر مجامع عمومی امروز ضرورت عاجل پیش پای همه کارگران است. کارگران حفاری میتوانند سرمشق و طلایه دار بقیه باشند. اما کارگران حفاری به نوبه خود به حمایت سایر کارگران و بویژه کارگران نفت نیاز دارند. اینها لازم و ملزوم یکدیگرند. در سایه چنین اتحادهایی است که کارگران میتوانند زندگی خود را بهبود بخشند و طرح های مختلف جمهوری اسلامی و همراه آنها خود این رژیم رویه موت دود خواهد شد و به هوا خواهد رفت.

تصمیم اخیر در کمیسیون انرژی باعث "بالا رفتن راندمان کار" شده است، نمی تواند حقیقت فوق را بپوشاند. اما این پیروزی برگشت پذیر است. تنها در صورتی دوام می آورد که از سوی کارگران حفاری بطور اخص و کارگران نفت بطور کل بعنوان سکویی برای گرفتن حقوق خود و تحمیل عقب نشینی ها بزرگتر به جمهوری اسلامی مورد استفاده قرار گیرد. هدف جمهوری اسلامی از "فروش" و یا حالا "بهینه کردن سیستم و ساختار" شرکت ملی حفاری اساسا حمله به معیشت کارگران و بویژه بیکارسازی و اخراج جمعی است. یعنی همان هدفی که از طرح "اصلاح ساختار نفت" بطور کلی دنبال میکند. هر اسمی به طرح هایشان بدهند، هر وقت که فرصت اجرایش را بیابند نتیجه یکی خواهد بود: قربانی کردن زندگی کارگران به منظور افزایش سود آوری سرمایه. تنها نیرویی که میتواند نتیجه را به نفع کارگران تغییر بدهد یا دستکم جلوی تعرض سرمایه را سد کند، قدرت اتحاد و دخالت کارگران در تصمیم گیری

مصطفی صابر

روز سه شنبه این هفته، مدیر کل شرکت ملی حفاری "مهندس حاج حیدر بهمنی" اعلام کرد در جلسه کمیسیون انرژی مجلس که با حضور وزیر نفت برگزار شد، طرح فروش شرکت حفاری کاملاً متوقف شد و طرح جدیدی تحت عنوان "بهینه کردن سیستم و ساختار شرکت ملی حفاری" در دستور وزارت نفت جمهوری اسلامی قرار گرفته است که تهیه آن ۶ ماه بطول خواهد انجامید. قبلاً اعلام شده بود که "طرح واگذاری متوقف شد". اکنون مجلس و دولت جمهوری اسلامی جلسه مشترک تشکیل میدهند و به این نتیجه میرسند که لاقبل برای شش ماه نباید حرفی از واگذاری و فروش زد و وانمود میکنند که کلاً آنرا کنار گذاشته اند. یکبار دیگر باید تاکید کرد، اعتصاب کارگران حفاری نفت رژیم اسلامی را بشدت ترساند. اظهارات مهندس حاج حیدر که به "حسن نظر وزیر نفت در پذیرش نظرات کارکنان" اشاره کرده و گفته است که

از صفحه ۱

در جستجوی "استراتژی"!

"استراتژی" واقعی جمهوری اسلامی و هردو جناح آنست. اما آخرین نتایج این "استراتژی": در پایین، اعتراضات مردم از سرپچی هرروزه در برابر قوانین اسلامی، حجاب، انواع منکرات و غیره به اعتصابات و تظاهرات و قیام های شهری ارتقاء یافته و اکنون سر و کله اعتصابات مهم کارگری هم پیدا میشود. در بالا، جمهوری اسلامی اسلامش را از دست داده، شعارهای عوامفریبانه نظیر مرگ بر آمریکا را از دست داده، هیبت وزارت اطلاعات و دستجات نهی از منکرش را از دست داده، نفوذ کلام و اتوریته شخصیت هایش را در متحد کردن صفوف خود از دست داده، دوم خرداد و "قهرمان" هایش را از دست داده، مجلس، دولت، رئیس جمهور، انتخابات، ولی فقیه و ارکان نظام دیگر برای "خودی"

سازمانهای چریکی که به دولتها اعلام جنگ داده اند و در عملیات نظامی دستگیر میشوند باید از حقوق اسرای جنگی برخوردار باشند. قوانین موجود باید عمیقاً به نفع این اسرا تغییر کند. بنظر من زندانی کردن فرد و جلوگیری از زندگی متعارف او باید ممنوع باشد. اما میتواند قوانینی وجود داشته باشد که تا پایان جنگ و یا تا مطمئن شدن از عدم تمایل فرد به شرکت مجدد در جنگ، مانع الحاق مجدد او به ارتشش بشود. و بالاخره قطعاً مقوله ای به اسم جنایت جنگی داریم. این مقوله باید جدا باز تعریف بشود و تمام مواردی که نیرویی افراد غیر نظامی و وسائل زیستی و رفاهی آنها را مورد تعرض قرار میدهند را در بر بگیرد. در این سالهای اخیر شاهد وسیعترین جنایات جنگی توسط ارتشهای دول غربی و محلی در کشورهای مختلف، مانند عراق و یوگسلاوی، بوده ایم. جنایتکاران جنگی بسیاری امروز بعنوان رهبران و قهرمانان ملی و فرزندان وطنپرست ملل و اقوام مختلف راست راست میان مردم راه میروند که میبایست شاهد محاکمه آنها باشیم.

خاوران: علل اصرار و اشتیاق مسلمانان بنیادگرا به کشتن و حذف فیزیکی مخالفان خود بویژه دگراندیشان را در چه میدانید؟

منصور حکمت: اینکه آیا کسی اول به آدمکشی علاقمند میشود و بعد مسلمان بنیادگرا میشود یا برعکس اول مسلمان بنیادگرا میشود و بعد به حکم شرع انور آدمکش میشود، چیزی است که من ابزار تحقیق و موشکافی در آن را ندارم. ولی مطمئنم پاسخ یکجایی در همین یک جمله شما نهفته است.

Khavaran

Organisation for Defense of Political Prisoners in Iran
P.O Box 301, Stn "D" Toronto
Ontario M9A 4X3 Canada
www.khavar.com

email:khavaran@khavaran.com

انترناسیونال هفتگی را در ایران و خارج تکثیر و پخش کنید

ها هم بی معنی شده است. کارش به جایی رسیده که برای اداره امور روزمره اش باید اجلاس سران نظام را تحت نام "کمیته اصلاحات" فرا بخواند و حتی بقول هاشمی شاهرودی "دبیرخانه" دائمی برای آن تشکیل دهد! جمهوری اسلامی به آخر خط رسیده است. جستجوی بی پایان دوم خرداد برای "استراتژی" و پاتک های کاریکاتور جناح راست، هیچ راه حلی در برابر جمهوری اسلامی نمی گشاید. اینجا هم حداکثر امیدشان اینست مگر چند لحظه ای زمان بخرند.

کمکهای مالی به حزب

کمکهای مالی بیش از 500 پوند
مهرنوش موسوی: 10,000 پوند
پروین معادی و نسان نودینیان 4100 پوند

کمک مالی به رادیو انترناسیونال

علی جوادی: 2500 پوند

به حزب کمونیست کارگری
کمک مالی کنید!

"بحران چیت بهشهر" پایان نیافته است!

کارگران خواهان پرداخت دستمزدهای معوقه هستند!

شهلا دانشفار shahla_daneshfar@yahoo.com

طی سه سال اخیر مبارزه برای دریافت دستمزدهای معوقه یکی از محورهای اصلی مبارزه کارگران بوده است. آخرین نمونه این اعتراضات مبارزه ۲۰۰۰ کارگر چیت سازی بهشهر است که در اعتراض به تعویق پرداخت دستمزد هایشان بمدت ده ماه، در اواخر مهر ماه دست به تحصن و تظاهرات زدند. این حرکت اعتراضی که دولت از آن بعنوان "بحران چیت سازی بهشهر" نام میبرد، با حمایت فعال مردم در این شهر روبرو شد و صدها نفر از مردم در تظاهرات و تحصن کارگران شرکت کردند. بطوریکه رئیس جمهور ناچار شد هیات وزیران را فوری فراخواند و برای خواباندن حرکت اعتراض کارگران که میرفت تا به قیامی شهری تبدیل شود ۵ میلیارد ریال اعتبار فوری اختصاص دهد و بالاخره بعد از یک هفته اعتراض و مقاومت کارگران با موفقیت به تحصن خود پایان دادند. اما "بحران بهشهر" پایان نیافته است. از آغاز سال ۷۷ عدم پرداخت دستمزد کارگران به پدیده ای عمومی و سراسری در ایران تبدیل شده است. پیروزی

آذر مدرسی رئیس هیات دبیران 0049-172 7823746

اصغر کریمی 0044-771 4097928

کمیته کردستان:

رحمان حسین زاده دبیر کمیته 0046-739 855 837

محمد آسنگران روابط عمومی 0049-177 569 2413

سازمان جوانان کمونیست:

بهرروز مدرسی دبیر سازمان 0049172 295 7603

Website:

www.haftegi.com انترناسیونال هفتگی

Email:

haftegi@yahoo.com

Fax: 0044-8701207768

Address:

BM Box 8927

London

WC1N 3XX

England

سایت های حزب و نهادهای نزدیک به حزب روی اینترنت

www.haftegi.com

www.wpiran.org

www.rowzane.com

www.hambastegi.org

www.iwsolidarity.com

www.medusa2000.com

www.marxsociety.com

www.kvwpiran.org

دیدار و گفت و شنود با رهبران حزب کمونیست کارگری ایران پس از کنگره سوم

فرانکفورت **جمعه ۱۰ نوامبر** ساعت ۵ بعد از ظهر

D.G.B Haus, Baseler Platz, Wilhelm-Leuschner Str. 69

میزبانان شما:

مینا احدی، علی جوادی، صالح سرداری،**اصغر کریمی، نسان نودینیان**

از کمیته مرکزی حزب

تلفن تماس: ۰۱۷۲ ۹۷۱ ۶۲۲۷

برلین **شنبه ۱۱ نوامبر** ساعت ۳ بعد از ظهر

Greifswalder Str. 4, Haus der Demokrati-Haus 2

Grosse Veranstaltungsraum

میزبانان شما:

مینا احدی، سیاوش مدرسی، علی جوادی،**اصغر کریمی، حسین مرادیگی (ح مه سور)**

از کمیته مرکزی حزب

تلفن تماس: ۰۱۷۲ ۹۷۱ ۶۲۲۷

استکهلم **۱۸ نوامبر** ساعت ۳ بعد از ظهر Kistaträff

میزبانان شما:

کوروش مدرسی، آذر مدرسی، فاتح شیخ،**رحمان حسین زاده، عبدالله دارابی، آذر ماجدی**

از کمیته مرکزی حزب

یوتبوری **۱۹ نوامبر** ساعت ۲ بعد از ظهر Folkethus, Järntoret

میزبانان شما:

آذر مدرسی، مجید حسینی، مظفر محمدی**کوروش مدرسی، رحمان حسین زاده،**

از کمیته مرکزی حزب

تلفن اطلاعات: ۰۷۰-۷۶۵ ۳۲ ۳۴

ورود برای عموم آزاد است**رادیو انترناسیونال را روی اینترنت بشنوید**

www.radio-international.org